بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده ی رویان - 25 /تیر/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم
چند سالی است که یك حركت مبارك علمی در كشور آغاز شده ؛ همه این را قبول دارند که این تحرك ارجمند تقریباً در بین مجموعه ی اهل علم کشور اعم از استاد و دانشجو و محقق و دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کم و بیش گسترده است. بنده وظیفه دارم نسبت به این حرکت عظیمی که دانشمندان، محققان و استادان ما در سرتاسر کشور ایجاد کرده اند، به سهم خودم حقگزاری و ابراز قدردانی کنم.
امروز آمدن من به این مرکز در واقع یك حركت نمادین است برای قدرشناسی از حرکت علمی عظیم و وسیعی که خوشبختانه در کشور ما شروع شده ؛ اگرچه هنوز در آغاز راه است. اینجا را انتخاب کردیم، اولاً به خاطر رویان، ثانیاً به خاطر جهاد دانشگاهی.
مؤسسه ی رویان، یك مؤسسه ی موفق و یك نمونه ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد. علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه ی کار او، مدیریت او، پیگیری او، یك مجموعه ی کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست میدارد و آرزو دارد، که حالا من اندکی در این باره عرض خواهم کرد. رویان هم با کمك او و بقیه ی همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده اند، اینجوری بارآمد ؛ اینجوری رشد کرد ؛ اینجوری روئید. و من این را از اوائل کار احساس کردم. آن دوست مشترك من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار - پانزده شانزده سال قبل - و در خواستهای او را با من مطرح کرد، من نشانه های یك حركت درست را در این کار احساس کردم ؛ لذا گفتم من در حد مقدور خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار میگیرم. هرچه زمان گذشت، آن ظن اوّلی تقویت شد ؛ تکذیب نشد.
اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یك جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پایبندی و تقوا را ؛ نه به صورت یك سربار، بلکه به شکل یك عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار. و هم خستگی را فراموش کردند، که به گمان من مرحوم کاظمی جان و سلامت خودش را هم سر همین کار گذاشت ؛ یعنی این دنبالگیری و این اهتمامها و خسته نشدنها. لذا رویان در چشم من بسیار گرامی است و عزیز است و شما جوانها و مردان و زنان مؤمن و عزیزی که در این مجموعه کار میکنید، برای من عزیز هستید و معتقدم رویان استعداد بسیار زیادی برای کار کردن و برای پیش رفتن دارد.
از قول من نقل کرده اند که من گفته ام: «این سلول بنیادی یك حركت علمی است»، واقعش همین است ؛ همینطوری که این سلولهای بنیادیِ شما، یك دامنه ی تمام نشدنی برای تحقیق دارند - که هرچه شما تحقیق میکنید، پیش میروید، یك میدان دیگری باز میشود که می بینید میتوان آن را موضوع تحقیق قرار داد و پیش رفت و به مرزهای جدیدتری رسید - رویان هم همینجور است ؛ این مجموعه ی شما هرچه کار کند، پیش برود، باز قابلیت پیشرفت دارد و یکایك محققان، پژوهشگران معتقد به علم و با ایمان - که در این مجموعه یا هر مجموعه ی دیگری از این قبیل هستند - همین حکم را دارند ؛ یعنی توانائی اینها تمام نشدنی است.
و اما جهاد دانشگاهی را انتخاب کردم، چون جهاد دانشگاهی مولود مبارك انقلاب است. همینطور که در قرآن کریم در مقایسه ی دو مسجد میفرماید: «لمسجد اسّس علی التّقوی من اوّل یوم أحقّ ان تقوم فیه، فیه رجال یحبّون ان یتطهّروا»، جهاد دانشگاهی همینجور است ؛ جزو معدود رویشهای اصلی خود انقلاب است. این معنایش این نیست که جهاد از اول در هر برهه ی از زمان، هرجور بوده، هرجور فکر کرده، هرجور کار کرده، درست است ؛ نه، ما آدمها گاهی درست فکر میکنیم، گاهی غلط فکر میکنیم، گاهی درست عمل میکنیم، گاهی غلط عمل میکنیم. ملاك قضاوت، این تناوبها و پیچ و خمها نیست ؛ ملاك قضاوت، هدفگیری و جهتگیری و استمرار در حفظ این هدف است ؛ ولو حالا گاهی انسان خطائی هم بکند، لغزشی هم بکند. من هویت جهاد را درنظر دارم که برکات زیادی هم بحمداللّه

داشته. حالا من يك جمله درباب جهاد ميگويم، بعد هم يك چند جمله اى درباب علم و تحقيق و آينده ى كار كشور در اين زمينه عرض خواهم كرد.
جهاد دانشگاهى مركب از دو كلمه است ديگر: جهاد و دانشگاه ؛ هم بايد در آن جهاد باشد، هم بايد متناسب با دانشگاه باشد. جهادى عمل كردن، مفهوم خاصى دارد. هرجور كارى، جهادى نيست.
جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ريشه يكى اند ؛ يعنى در آن معناى جهد و كوشش وجود دارد ؛ اما جهاد فقط اين نيست ؛ جهاد يعنى مبارزه ؛ مبارزه ى در همين اصطلاح متعارف فارسىِ امروز ما. مبارزه انواع و اقسامى دارد: مبارزه ى علمى داريم، مبارزه ى مطبوعاتى داريم، مبارزه ى سياسى داريم، مبارزه ى اقتصادى داريم، مبارزه ى نظامى داريم، مبارزه ى آشكار داريم، مبارزه ى پنهان داريم ؛ اما يك نقطه ى مشترك در همه ى اينها وجود دارد و آن اينكه در مقابلِ يك خصم است ؛ در مقابلِ يك مانع است. مبارزه با دوست معنى ندارد ؛ مبارزه در مقابلِ يك دشمن است.
فرض كنيد در دوران اختناق، كسى هر هفته مثلاً پنج تا كتاب ميخواند ؛ خيلى كار بود ؛ اما لزوماً مبارزه نبود ؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر ميخواست جهاد باشد، بايد كتابى را ميخواند كه در حركت او در مواجهه ى با رژيم طاغوت و رژيم اختناق، تأثير داشت ؛ آنوقت ميشد جهاد. خاصيت جهاد اين است.
دايره ى جهاد شما علم و فناورى است ؛ يعنى شما اينجا از شمشير و نيزه و ژ3 نميخواهيد استفاده كنيد ؛ از مغز و امكانات انديشمندىِ درون انسان و فكر و قلم و چشم و اينها ميخواهيد استفاده كنيد.
مجموعه، مجموعه ى علمى است ؛ اما در چه جهتى باشد تا جهاد باشد؟ اين مهم است. نگاه كنيد ببينيد براى كشور شما، براى انقلاب شما، براى اهدافى كه اين انقلاب ترسيم كرده، كدام دشمن عنود در كمين نشسته و شما بايد با آن دشمن عنود مبارزه كنيد؟ كارتان در آن صراط كه شد، ميشود جهاد.
بنابراين، اگر دنبال علمى بگرديد كه اين علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضى نميكند، خرسند هم ميكند، اين جهاد نيست. فرض كنيم جهاد دانشگاهى يا فلان مؤسسه ى مربوط به جهاد دانشگاهى بگويد در سال فلان، صد يا پانصد مقاله از من در «ISI» منتشر شده ؛ اين، ملاك نيست. اين مقاله چه بود؟ در چه جهت بود؟ به چه درد شما خورد؟ آن كسانى كه با آرمانهاى شما دشمنند، نسبت به اين مقاله چه موضعى داشتند؟ آيا آنها احساس خطر كردند؟ البته سياسيونشان - اهل علم كه نگاهشان جور ديگرى است - يا نه، احساس خطر نكردند.
وقتيكه راجع به سلولهاى بنيادىِ شبيه سازى و اينطور كارها آقايان حرف زديد و بنده يا ديگرى هم تجليلى از اين كار كردند، مقامات امريكايى اعلام كردند كه براى علوم ژنتيك هم بايد شوراى حكامى به وجود بيايد! اين معنايش چيست؟ دشمن از اينكه شما در اين رشته داريد حركت ميكنيد، دردش آمده است. مثالهاى واضحش را عرض ميكنم ؛ هزاران مثال دارد. آن روزى كه شما مثلاً بتوانيد آنچنان راداري بسازيد كه از هيچ نقطه از فضاى آسمان اين كشور، هيچ جنبنده اى نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش مى آيد ؛ يعنى اين تيرى است كه مستقيم ميخورد به دشمن. اين، ميشود جهاد.
در حركت جهادى، در علم جهادى، در تحقيق جهادى، اين عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمريكا نيست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمريكا و استكبار جهانى است. نه، دشمنها انواع و اقسامى دارند. يك وقت يك كارتل بزرگ مالى و اقتصادى از اينكه شما بتوانيد مثلاً كارخانه ى سيمان بسازيد، ناراحت ميشود ؛ مانع تراشى ميكند ؛ نميگذارد، كه الان در گزارشهائى كه در اينجا به من دادند، از جمله همين مسئله بود. دلشان ميخواهد يك شوراى حكام هم درست كنند براى ساخت سيمان، كه هر كس حق نداشته باشد كارخانه ى سيمان بسازد يا توليد سيمان كند.
كار جهادى بايد هدفمند، درست متوجه به آرمانها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن شكن باشد. يعنى به همان معنائى كه ما مبارزه را در اصطلاح معمولى به كار ميبريم: «دارم مبارزه ميكنم ؛ اين يك مبارزه است.» اين، يك تعبير مصطلح است. در جهاد، اين معنا هست. اين، تعريف بخش جهاد.
و اما دانشگاهى. دانشگاهى يعنى سطح اين فعاليت و تحرك، يك سطح راقى است ؛ متناسب با دانشجو و استاد و ذهن فعال علمى است. در همه ى كارها همين بايد رعايت شود. عوام گرائى و عوام پسندى در كار و در همه

فعالیتها نباید دخالت داشته باشد. البته بخشی از فعالیتها علمی است و خوب است ؛ مثل همین تحقیقات ؛ اما فرض بفرمائید اگر فعالیت در زمینه های علوم انسانی و فرض کنید در ادبیات است، باید حرفی که از اینجا بیرون می آید، فراتر از آن حرفی باشد که ممکن است یك ادیب معمولی بزند. یعنی سطح، باید سطح راقی ای باشد. خیلی از حرفها در زمینه ی علوم انسانی - که حالا ما در آن سابقه داریم و بلدیم و واردیم - مثل تاریخ، مثل ادبیات، مثل فلسفه که اینها مسائل بومی کشور ماست، هست. برخی از این مسائل، حرفهای عادی ای است، حرفهای متعارف است ؛ جهاد دانشگاهی هم که نزند، هر کسی میتواند بزند. جهاد دانشگاهی باید حرفِ گزین، حرفِ برتر را به میدان بیاورد. از باب مثال، شما فعالیت قرآنی دارید. فعالیت قرآنی را خیلیها دارند ؛ همه اش هم خوب است - میدانید من جزو کسانی هستم که نسبت به فعالیتهای قرآنی دنبالگیری و احساس مسئولیت ویژه دارم ؛ از قبل از انقلاب، الان هم همینجور است. یعنی اگر در یك مسجدی دَه نفر جوان هم جمع شوند تلاوت قرآن کنند، از نظر من مطلوب است ؛ این را دوست میدارم - لکن شما اگر فعالیت قرآنی میخواهید بکنید، باید فعالیت قرآنی شما با فعالیت قرآنیِ غیر دانشگاهی فرق داشته باشد. لذا اگر شما هم فرض کنید بخواهید همان لحن و نوا و شیوه ی فلان قاری و تجوید و صدای خوش و... را مثل بقیه تکرار کنید، البته خیلی خوب است ؛ اما فعالیت جهاد دانشگاهی در قرآن، این نیست ؛ یك چیزی فراتر از این است. ببینید باب فهم دانشگاهی در مواجهه ی با قرآن چیست. بروید سراغ فهمیدن قرآن. قرآن خوانِ شما جوری باشد که وقتی قرآن میخواند، جلسه ای که مستمع قرآن اوست، مفاهیم قرآن را با دل خود لمس کند ؛ حس کند ؛ و جلسه ی قرآن خوانی شما، جلسه ی مفاهیم قرآن هم باشد. اینها ابتکار لازم دارد ؛ بابِ شماست.
بنابراین، جهاد دانشگاهی این امکانات و این وسائل را دارد و بنده به جهاد دانشگاهی اعتقاد راسخ دارم. کارهای بزرگی کرده اند ؛ کارهای خوبی کردید و همینطور که گفتیم: «اسّس علی التّقوی من اوّل یوم». از اول تا حالا که ما جهاد دانشگاهی را شناختیم، بر اساس دین و تقوا بود. بر اساس دین و تقوا نگهش دارید.
چند دقیقه ی پیش با دوستان اینجا صحبت بود و عرض کردیم سعی کنید هویت جهاد، تغییر پیدا نکند. اینی که شما می بینید هویت بعضی از اشخاص - فکرهایشان، ترکیبهای ذهنی شان - از اول انقلاب تا حالا صد و هشتاد درجه عوض شده، این یك روال و ممشای طبیعی نیست که بگوئید طبیعتش همین است دیگر ؛ نخیر، هرگز اینجوری نیست. طبیعی این است که اگر انسان یك فکر و یك راهی را به منطق و استدلال پذیرفت، این را تا آن نقطه ی آخر راه برود و اگر عمرش کفاف نداد، در این راه بمیرد. این طبیعی نیست که ما بگوئیم: یك راهی را حرکت کنیم برویم ؛ گاهی هم با شور و خیلی هیجان، بعد از یك نقطه، ناگهان زاویه بزنیم! بعد، این زاویه ها اینقدر ادامه پیدا کند که تبدیل شود به عکس! این، به هیچ وجه طبیعی نیست. بعضیها توجیه میکنند: خوب آقا، اول انقلاب، اول انقلاب بود ؛ حالا زمان اثر گذاشته، ما عوض شدیم! نخیر، زمان بر روی عنصرهای ضعیف و بی ریشه و اعتقادهای واهی و مبتنی بر احساس محض اثر میگذارد ؛ یا زمان با همراهی طمعها و هوسها اثر میگذارد. «انّ الّذین تولّوا منکم یوم التقی الجمعان انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا». قرآن میگوید: آنهایی که در جنگ احد برگشتند ؛ طاقت نیاورند بایستند، این لغزش اینها به خاطر آن کاری است که قبلاً کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است ؛ هر مماسی روی آن اثر میگذارد ؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان می بینید که شکلش عوض شد ؛ اما وقتیکه مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحکمتر میشود. آدمها اینجورند، نهادها هم اینجورند. نگذارید نهاد جهاد دانشگاهی، تبدیل شود به یك هویت دیگر ؛ به یك هویت غیر دینی، غیر انقلابی.
من یك بار در جمع همین عزیزان جهاد دانشگاهی مطلبی را چند سال پیش گفتم، که یادم هم نبود ؛ این را برای من آوردند، خواندم و یادم آمد - باید این هویت صحیح را و این هویت ایمانی را حفظ کنید و باقی بماند. خوشبختانه همینجور هم بوده و تا حالا هم باقی مانده است ؛ چون ساخت جهاد دانشگاهی و نوع مدیریت، نوع عملکرد، نوع ارتباط رأس با بدنه، جهتگیریها، خواستها، خواستهای خوبی بوده است - آنچه که آن روز گفتم، این بود که بعضیها تصور میکنند انقلابیگری، یك حرکت انقلابی، یعنی حرکت بی انضباطِ همراه با شلوغی، سردرگمی و بی نظمی!

میگویند آقا، آنها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرك انقلابی، اغتشاش و بی نظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان میگیرد، بهترین انضباطها را دارد.
اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بی نظمیهائی دیده میشود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی ؛ چون یك بنای کهنه ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یك بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی ای است ؛ ولی وقتیکه بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه های درست، حرکت بر اساس آن، حرکتِ منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابیگری را با بی نظمی و با شلوغکاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد. علی ای حال، جهاد دانشگاهی از جاهائی است که ما به آن امید داریم برای آینده ی علمی کشور.
اما راجع به مسئله ی علم و تحقیق، من این را عرض بکنم: کشور ما بدون حرکت در جاده ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه ی مطلوب خودش دست پیدا بکند ؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است.
دانشمند شدن یك ملت هم به این نیست که دانسته های دیگران را فرا بگیرد. آن، مقدمه ی کار است. علم یك دامنه ی وسیعی دارد ؛ انحصاری نمیتواند باشد که ما فرض کنیم یك مجموعه ای از کشورها و یا ملتها هستند که نخبگان اینها علم را باید تولید کنند، مرزهای جدیدی را برای علم تعریف کنند، یك مقداری خودشان استفاده کنند، یك مقداری هم که زیاد آمد، بدهند دیگران استفاده کنند. این نمی شود. این نسبت، این شکل کار، معنایش همین عقب ماندگی دائمیِ بخشی از کشورها، همین رابطه ی ظالمانه ی بین کشورها، همین مسئله ی دنیای اول و دنیای دوم و دنیای سوم و شمال و جنوب و همین حرفهائی است که جزء ادبیات رائج سیاسی در این قرن و قرن قبل بوده و شده.
همه ی انسانها توانائی دانش پژوهی و دانشمندی را دارند. استعدادها البته مختلف است، لکن هیچ کشوری نیست که در آن انسانها توانائی این را نداشته باشند که در این دامنه ی وسیع و عظیمِ علم بالقوه و بالاستعداد، یك جایگاهی برای خودشان پیدا کنند و یك نقشی در آن ایفا کنند. اگر کشوری که سابقه ی او، تاریخ او، تجربه ی او، نشان میدهد که توانائی استعداد او، توانائی بالائی است و از متوسط بالاتر است - که کشور ما قطعاً از این قبیل است - این بایستی در ایجاد علم، در توسعه ی علم، در پیشرفت علم نقش ایفاد کند و اگر توانست این نقش را ایفاد کند، آنوقت این عقب ماندگی، این تبعیض و بی عدالتی در همه ی زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین خواهد رفت و خواهد شد دارای سهم برابر در مقابل کشورهای دیگر و در مقابل قدرتهائی که امروز وجود دارند. آنوقت میتواند خودش را اداره کند، روی پای خودش بایستد ؛ یك چیزی بدهد، یك چیزی بگیرد ؛ اما امروز اینجور نیست. امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست ؛ بنایش بر گرفتنِ حداکثری و دادنِ حداقلی است ؛ ثروت را میمکند، امکانات را میمکند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها میمکند و در اختیار میگیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمیدهند، گاهی چیز مضری میدهند، گاهی هم یك چیزکی به آن کشور نقطه ی مقابل میدهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه گر و سلطه پذیر.
اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملتهایشان و استعداد ملتهایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است. بنابراین علم را باید جدی گرفت ؛ باید پیش رفت.
ما حرکتمان شروع شده، لکن هنوز در اول کاریم ؛ هم باید به مراکز علمی و تحقیقی کمك بشود ؛ هم به پروژه های علمی، پروژه های تحقیقی و فناوری باید کمك بشود ؛ هم بایستی این میل به علم و تحقیق و پژوهش همه جا گسترش پیدا کند. باید مخصوص استاد و محقق هم نماند ؛ در محیط دانشجوئی و فضای دانشجوئی گسترش پیدا کند ؛ یعنی دانشجو میل به علم آموزی و تولید علم پیدا کند که این کاری است که احتیاج دارد به تدبیر و با توصیه و خواهش و تمنا و سفارش و دستور و اینها، نخواهد شد. مسئولان بخشهای آموزشی کشور ما ؛ چه وزارت آموزش و پرورش، چه وزارت علوم و وزارت بهداشت و درمان، چه بخشهائی که مربوط به مسائل برنامه ریزیِ فرهنگی اند، در

این زمینه مسئولیت دارند. آنها کاری بکنند که محیط دانشگاهی، محیط علم طلبی باشد. واقعاً این جوان بخواهد عالم بشود و فقط مسئله این نباشد که بخواهد مدرکی بگیرد، یا حالا اسمی مثلاً برای یك كار كوچكی در بیاورد. این، حرکت لازم دارد. این حرکت باید ادامه پیدا کند. کمك دولت و دستگاههای مسئول و کمك کسانی که جایگاهی دارند که میتوانند اثرگذار باشند بر روی ذهن مخاطبانشان، در این زمینه حتماً لازم است.
و من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار میکنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمانند. علم مجرد از دین و دور از دین ولو در گام اول در کوتاه مدت یك کشوری را به یك نقطه ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت برای بشریت زیانبار است ؛ کما اینکه دارید می بینید که زیانبار است.
علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه اش همین میشود که امروز در دنیا رائج است ؛ علم وسیله ی زورگوئی است، وسیله ی استثمار است، وسیله ی تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یك طرف ؛ از طرف دیگر، محصول علم، این مواد مخدر کذائی است ؛ محصول علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همه ی احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیمِ اولیه ی ما باید باشد ؛ در همه جا. و توفیقات این علم هم بیشتر است ؛ این را به شما عرض بکنم. نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مؤمن کاری درآوردیم، دیگر پیشرفت نمیکند ؛ نخیر، الان همین خود جهاد دانشگاهی شما، همین مجموعه کارهای شما - که به وسیله ی عناصر مؤمن این همه کار بزرگ انجام گرفته - نشان دهنده ی این است که علم وقتی با ایمان همراه باشد، توفیقاتش هم بیشتر خواهد بود.
چیزهای دیگری هم من اینجا یادداشت کرده ام، که عرض بکنم، منتها دیگر وقت گذشت ؛ ساعت دوازده است.
امیدواریم ان شاءالله این دیدار ما بتواند پیامی باشد برای جامعه ی علمی کشور از سوی مجموعه ی دستگاه ؛ پیام قدرشناسی، پیام ارجگزاری، پیام حقگزاری از حرکت علمی و بالخصوص درباره ی جهاد دانشگاهی و بالاخص در مورد مؤسسه ی رویان. و امیدواریم خداوند به همه ی شماها اجر بدهد، پاداش بدهد و امیدواریم که خداوند ان شاءالله روح مرحوم کاظمی عزیز را از برکات و تفضلات خودش برخوردار کند و خانواده ی محترمشان هم که اینجا تشریف دارند، ان شاءالله مشمول صبر و سکینه ی الهی قرار بگیرند و ما روزبه روز شاهد توفیقات بیشتر شما عزیزان در رویان و در جهاد دانشگاهی باشیم.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته